

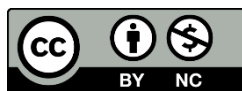
## ژاپن و راهبرد احاله مسؤلیت آمریکا برای مهار چین

ارسلان قربانی شیخ‌نشین\*، مهدی انصاری

گروه روابط بین‌الملل، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران.

چکیده	مشخصات مقاله
<p>در این مقاله، راهبرد احاله مسؤلیت ایالات متحده در مواجهه با قدرت رو به رشد چین و نقش کلیدی ژاپن در این راستا بررسی شده است. نگرانی‌های امنیتی ژاپن درباره نیت چین، به‌ویژه در زمینه اختلاف‌های ارضی، موجب شده است تا ژاپن نقش امنیتی بیشتری ایفا کند و با آمریکا همکاری نزدیک‌تری داشته باشد. در سال‌های اخیر، توزیع قدرت در هند-آرام (ایندوپاسیفیک) تغییرات قابل توجهی داشته و ایالات متحده را به تجدیدنظر در سیاست‌های خود واداشته است. با توجه به تهدیدهای امنیتی چین، آمریکا و ژاپن همکاری‌های نظامی و امنیتی خود را تقویت کرده‌اند تا توازن قدرت را در منطقه حفظ کنند. در این مقاله، با رویکرد توصیفی-تحلیلی و بر مبنای منابع کتابخانه‌ای، این سؤال بررسی شده است: چگونه ژاپن در راهبرد توازن فراساحلی ایالات متحده برای مهار چین نقش‌آفرینی کرده است؟ همچنین، جایگاه ژاپن در راهبرد توازن فراساحلی ایالات متحده برای مهار چین تبیین شده است. یافته‌های پژوهش نشان داد، به‌دلیل افزایش هزینه‌های یک‌جانبه در خنثی‌سازی چین، آمریکا با تکیه بر راهبرد احاله مسؤلیت در ابعاد اقتصادی و نظامی از طریق موافقتنامه‌های دو یا چندجانبه، و ائتلاف‌های اقتصادی و نظامی-امنیتی با ژاپن درصدد موازنه‌سازی جمعی است تا به مهار چین بپردازد. این همکاری‌ها به‌روزرسانی دستورالعمل‌های دفاع متقابل و توسعه قابلیت‌های نظامی مشترک را شامل می‌شود.</p>	<p>مقاله پژوهشی                      موضوع: روابط بین‌الملل                      حوزه موضوعی: ایالات متحده آمریکا، چین، ژاپن</p> <p>تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۸/۲۷                      تاریخ بازنگری: ۱۴۰۳/۰۹/۰۶                      تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۹/۱۰                      تاریخ انتشار: ۱۴۰۳/۰۹/۱۸</p> <p><b>واژگان کلیدی:</b>                      احاله مسؤلیت،                      ائتلاف‌سازی،                      آمریکا،                      چین،                      ژاپن.</p>

ارجاع به این مقاله: قربانی شیخ‌نشین، انصاری م. (۱۴۰۴). «ژاپن و راهبرد احاله مسؤلیت آمریکا برای مهار چین». *مطالعات کشورها*. ۳(۲): ۲۶۵-۲۹۵. doi: <https://doi.org/10.22059/jcountst.2024.385524.1188>



وبگاه: <https://jcountst.ut.ac.ir> | رایانامه: [jcountst@ut.ac.ir](mailto:jcountst@ut.ac.ir)  
 شابای الکترونیکی: ۹۱۹۳-۲۹۸۰ | ناشر: دانشگاه تهران

\* نویسنده مسؤل: [ghorbani@khu.ac.ir](mailto:ghorbani@khu.ac.ir) - <https://orcid.org/0000-0002-4005-1684>

1684

## ۱. مقدمه

ایالات متحده ناگزیر است با تغییرات نامطلوب چرخه قدرت در نظام بین‌الملل با به‌کارگیری راهبرد برتری نظامی در شرق آسیا مقابله کند؛ این به‌منزله استمرار برتری نظامی و محلی نیروهای ایالات‌متحده در تمام آسیاست. با شکست سلطه (هژمونی) لیبرال در تأمین منافع حیاتی ایالات‌متحده در منطقه غرب آسیا، برخی اندیشمندان در جامعه سیاست خارجی آمریکا به این فکر افتادند که راهبردی جایگزین را برای سیاست خارجی ایالات‌متحده به‌کار گیرند. این دیدگاه نه‌تنها در منطقه غرب آسیا در حال پیگیری است، بلکه منطقه حیاتی شرق آسیا نیز از این قاعده مستثنی نیست و تلاش ایالات‌متحده به‌منظور ائتلاف‌سازی در همین راستا معنا پیدا می‌کند.

چین نخستین تهدید (8: *The White House*, 2022c) و مهم‌ترین بازیگر چالشگر نظم سلطه در منطقه هند-آرام (ایندوپاسیفیک)، به‌ویژه پس از سال ۲۰۰۸م، است که نه‌تنها در راستای خنثی‌سازی نظم آمریکایی قدم برداشته است، بلکه به‌دنبال نظم‌سازی در عرصه منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای است (دوشی، ۱۴۰۲). آمریکا، به‌منظور خنثی‌سازی قدرت در حال‌گسترش چین قدم برداشته است و آن را مهم‌ترین چالش خود در چارچوب راهبرد نومهار<sup>۱</sup> می‌شناسد. راهبرد توازن فراساحلی ایالات‌متحده عبارت است از حفظ توازن مطلوب قدرت در منطقه از طریق ایجاد توازن جداگانه در روابط با قدرت‌های بزرگ، به‌جای مداخله مستقیم. در شرق آسیا، این به‌معنای استفاده از اهرم اتحاد آمریکا و متحدانی نظیر ژاپن برای ایجاد توازن در برابر چین است؛ آمریکا و ژاپن دستورالعمل‌های دفاع متقابل خود را به‌روزرسانی کرده‌اند تا بر مهار قدرت منطقه‌ای چین، از جمله از طریق توسعه مشترک قابلیت‌های ضد‌دسترسی/انکار منطقه تمرکز کنند. آمریکا برای تکمیل قدرت ایالات‌متحده و جلوگیری از نزدیک شدن ژاپن به چین، ژاپن را تحت فشار قرار داده است تا نقش امنیتی منطقه‌ای بیشتری را، به‌رغم مخالفت‌های داخلی، ایفا کند. نگرانی ژاپن درباره نیت چین، به‌ویژه درباره اختلاف‌های ارضی، با منافع ایالات‌متحده در حفظ ثبات و وضعیت موجود با آمریکا همسو شده است. ژاپن یکی از بازیگران اصلی در دایره متحدان ایالات‌متحده است و به‌منظور تحدید نظم‌سازی چین در شرق آسیا در نظریه بازدارندگی یکپارچه<sup>۲</sup> تعریف می‌شود. تهدیدهای امنیتی چین بر علیه ژاپن و جایگاه ویژه این کشور در این

1. neocontainment  
2. integrated deterrence system

منطقه موجب شده است ادغام امنیتی با آمریکا محقق شود و در نظام بازدارندگی یکپارچه آمریکا (Mazarr & Ke, 2024) مقابله با چین اهمیت جدی یابد. ژاپن یکی از بازیگران متحد آمریکاست که به دلیل داشتن مؤلفه‌های قدرت- از جمله حضور در جمع کشورهای بزرگ اقتصادی، اهمیت جغرافیای اقتصادی (ژئواکونومی)، جغرافیای راهبردی (ژئواستراتژی) و جغرافیای سیاسی (ژئوپلیتیکی)- و نزدیکی جغرافیایی با چین در قالب راهبرد توازن فراساحلی می‌تواند نقش مهمی ایفا کند. بهره‌گیری از کشورهای متحد، به منظور تحدید قدرت چالشگر، یکی از راهبردهای اصلی در سیاست خارجی آمریکاست. در همین راستا، می‌توان اذعان کرد ژاپن یکی از متحدان راهبردی آمریکا در شرق آسیا و یکی از نیروهای فعال در راهبرد توازن فراساحلی آمریکاست. مسئله اصلی در این مقاله پاسخ به این سؤال است: چگونه ژاپن در راهبرد توازن فراساحلی ایالات متحده برای مهار چین نقش‌آفرینی کرده است؟ در پاسخ به این پرسش، این فرضیه ارزیابی شده است: ژاپن از طریق پیوند اقتصادی و امنیتی-نظامی با ایالات متحده سعی کرده است به مهار قدرت چین، به‌ویژه در حوزه اختلاف‌های ارضی، بپردازد. رویکرد اصلی در پاسخ به این پرسش توصیفی-تحلیلی است. در این راستا، آمریکا با تأکید بر گفتمان چرخش به آسیا در ابعاد دو یا چندجانبه و در زمینه‌های نظامی-امنیتی و اقتصادی-تجاری از طریق تجارت دوجانبه، ائتلاف‌سازی چندجانبه، موافقتنامه‌های نظامی و امنیتی با ژاپن درصدد پیوند راهبردی است تا از طریق بازیگرانی چون ژاپن درصدد مهار چین برآید. هدف در مقاله حاضر، شناخت راهبرد آمریکا در منطقه هند-آرام در چارچوب تکامل راهبردی توازن فراساحلی و راهبرد احاله مسئولیت این کشور است. ارزیابی تهدید در جامعه سیاست خارجی آمریکا، ائتلاف‌ها و پیمان‌های امنیتی-نظامی آن با کشورهای این حوزه، به‌ویژه با ژاپن، فهم دقیق‌تری برای جامعه سیاست خارجی فراهم خواهد کرد. مقاله در قالب پیشینه پژوهش، روش‌شناسی و چارچوب نظری، روابط تجاری و امنیتی، ائتلاف‌های مشترک میان ایالات متحده و ژاپن و در نهایت نتیجه‌گیری تدوین شده است.

## ۲. پیشینه

آدمی و دشتگرد به راهبردهای دوگانه مرشایمر، اعم از احاله مسئولیت و موازنه‌سازی، اشاره کرده و نمونه‌هایی از تلاش ایالات متحده را در مهار رقبای خود

در چارچوب شیوه دوم، یعنی احاله مسئولیت، بیان داشته‌اند. رقبا و خطرهایی که در این نوشته باید بدان توجه داشت ایران و چین هستند. ایالات متحده در پی کنترل ایران و چین، از طریق قدرتی دیگر است: مهار چین از طریق هند و کنترل ایران از طریق عربستان (آدمی و دشتگرد، ۱۳۹۱).

لیو و وانگ عنوان کرده‌اند که ژاپن سعی می‌کند ایالات متحده را در مناقشه‌های خود با چین درگیر کند؛ در حالی که چین انتظار دارد ایالات متحده نقش سنتی خود را در جایگاه بازیگر اعتمادساز حفظ کند تا ژاپن را از تجدیدنظر در چندجانبه‌گرایی خود باز دارد (Liu & Wang, 2013). ایالات متحده در حفظ نقش خود در شرق آسیا تا حدی موفق بوده است و چالش کلیدی آن در آینده ایجاد توازن مؤثر در روابط با چین و ژاپن خواهد بود. ایالات متحده مجموعه پیچیده‌ای از نقش‌ها را در روابط سه‌جانبه چین-ایالات متحده-ژاپن ایفا می‌کند و از موقعیت خود در جایگاه تنها سلطه‌گر جهانی برای حفظ نفوذ و جلوگیری از ظهور رقیب منطقه‌ای برای تسلط آمریکا در شرق آسیا استفاده می‌کند. با این حال، ایالات متحده برای حفظ موقعیت سودمند خود در سال‌های آینده، باید با دقت در تغییر موازنه قدرت، روابط خود را با چین و ژاپن مدیریت کند.

ویدال و پرگلین رویکرد راهبردی ژاپن را برای محافظت در برابر قدرت رو به رشد چین در چارچوب روابط سه‌جانبه- شامل ایالات متحده، چین و ژاپن- بررسی کرده‌اند. ژاپن از راهبرد مصون‌سازی برای مدیریت روابط خود با چین استفاده می‌کند؛ در عین حال اتحاد خود را با ایالات متحده حفظ می‌کند. این راهبرد عبارت است از تقویت قابلیت‌های دفاعی خود و تقویت روابط نزدیک‌تر با سایر شرکای منطقه‌ای. ژاپن برای مقابله با رشد نظامی چین، نیروهای دفاع شخصی خود را مجهز کرده و هزینه‌های دفاعی خود را افزایش داده است. ژاپن فعالانه در تلاش‌های سیاسی برای تقویت روابط خود با کشورهای آسیای جنوب شرقی و دیگر بازیگران منطقه‌ای است و چارچوب امنیتی جمعی را برای رسیدگی به نگرانی‌های مشترک درباره چین ترویج می‌کند. اتحاد ایالات متحده و ژاپن همچنان سنگ بنای راهبرد ژاپن است. ژاپن به دنبال این است که اطمینان حاصل کند که ایالات متحده به دفاع خود متعهد می‌ماند. در عین حال، مشارکت بیشتر ایالات متحده در مسائل امنیتی منطقه را تشویق می‌کند. ایالات متحده در مقام بازیگر موازنه‌ساز فراساحلی عمل و روابط خود را با ژاپن و چین مدیریت می‌کند تا از مسلط شدن بیش از حد هر دو جلوگیری کند. این امر مستلزم حفظ توازن

مطلوب قدرت در منطقه است. ایالات‌متحده در جایگاه داور در مناقشه‌های بین چین و ژاپن، به‌ویژه بر سر اختلاف‌های ارضی، عمل می‌کند. هدف آن مدیریت تنش‌ها و حفظ ثبات در منطقه از طریق تعامل دیپلماسی است. ایالات‌متحده بر تعهد خود به امنیت ژاپن، به‌ویژه در زمینه اختلاف‌های ارضی با چین تأکید کرده است. این حمایت اعتماد ژاپن را در موقعیت راهبردی خود تقویت می‌کند (Vidal & Pelegrín, 2017).

هاگز در مقاله خود مفروضه‌های موجود در این باره را به پرسش گرفته است: آیا ژاپن در نقش بازیگر با اهداف حفظ وضع موجود، در برابر چین راهبرد بی‌تفاوتی را اتخاذ کرده است؟ او معتقد است که این کشور به‌سمت توازن فعال حرکت کرده است. هاگز پاسخ‌های راهبردی ژاپن را به چالش‌های ناشی از افزایش نفوذ و قدرت چین در شرق آسیا بررسی می‌کند. ژاپن بر اتحاد خود با ایالات‌متحده تأکید دارد و آن را جزء حیاتی راهبرد امنیتی خود می‌داند. اتحاد ایالات‌متحده برای مقابله با گسترش نظامی و قاطعیت چین ضروری است. ژاپن در حال تجهیز نیروهای دفاع شخصی خود، افزایش هزینه‌های دفاعی و قابلیت‌های نظامی پیشرفته است. این دستیابی به فناوری‌های جدید و افزایش آمادگی عملیاتی برای جلوگیری از تهاجم احتمالی چین را نیز شامل می‌شود. ژاپن فعالانه به‌دنبال تقویت روابط با دیگر قدرت‌های منطقه‌ای مانند هند و استرالیا و ترویج چارچوب‌های چندجانبه برای رسیدگی به نگرانی‌های امنیتی در منطقه هند و هند-آرام است. راهبرد ژاپن عبارت است از اقدام متوازن‌کننده دقیق برای مدیریت روابط خود با چین و درعین حال حفظ اتحاد امنیتی خود با ایالات‌متحده، شامل مشارکت در تلاش‌های دیپلماسی برای کاهش تنش؛ افزایش توان دفاعی برای جلوگیری از تهدیدها؛ استفاده از نارضایتی‌های تاریخی برای شکل‌دادن به افکار عمومی و سیاست در قبال چین. ژاپن با تقویت اتحاد خود با ایالات‌متحده، تجهیز ارتش و تعامل دیپلماسی با شرکای منطقه‌ای، قصد دارد به‌طور مؤثر چالش‌های ناشی از ظهور چین را متوازن کند، درحالی‌که در زمینه تاریخی خود حرکت می‌کند. در این رویکرد راهبردی، بر تعهد ژاپن به حفظ ثبات در شرق آسیا در میان پویایی قدرت در حال تغییر تأکید می‌شود. نتیجه این است که اکنون شواهد نشان می‌دهد حرکت رو به افزایش ژاپن به این سمت است: موازنه فعال «نرم» و «سخت» اولیه چین از طریق سیاست «محاصره فعال» چین با دیپلماسی، و افزایش توانمندی‌های نظامی ملی ژاپن با هدف مقابله با چین (Hughes, 2016).

کوگا معتقد است که ژاپن از زمان پایان جنگ سرد همواره راهبرد موازنه را در قبال چین اتخاذ کرده است. باین حال، تغییر تدریجی به توازن آشکار پس از حادثه برخورد قایق سنکاکو در سال ۲۰۱۰م آغاز شد. این تغییر با اقدام دولت ژاپن برای خرید جزایر سنکاکو در سال ۲۰۱۲م تسریع شد. از آن زمان، ژاپن با کاهش محدودیت‌ها در قانون اساسی و سیاسی خود درباره توانایی‌های نظامی و تقویت ارتباطات امنیتی با سایر کشورهای منطقه، از طریق تقسیم بار امنیتی بیشتر با ایالات متحده، سعی داشته است توازن داخلی و خارجی با استرالیا و هند برقرار سازد (Koga, 2016).

انوال عنوان می‌کند که ژاپن یکی از حامیان قوی «تجدید توازن» آمریکا در آسیا و اقیانوسیه بوده است. موقعیت تثبیت‌شده ژاپن در منطقه به طبع، این کشور را به حامی جدی وضعیت موجود و در نتیجه نظم تحت رهبری ایالات متحده تبدیل می‌کند. انوال ادعا می‌کند که برای درک موقعیت ژاپن، لازم است با دقت بیشتری به نگرش ژاپن به منافع و هزینه‌های راهبردی احتمالی راهبرد توازن نگاه کنیم. در واقع، دشواری روزافزون روابط چین و ژاپن، ژاپن را به ارزیابی مجدد چنین هزینه‌ها و منافع سوق داده است. نگرانی ژاپن تا جایی است که ممکن است برای کسب اطمینان از متحد خود، یعنی ایالات متحده، به بازسازی ساختار و نقش امنیتی خود روی بیاورد (Envall, 2017).

انوال در مقاله دیگر خود، اتکای راهبردی ژاپن را به اتحاد با ایالات متحده برای مقابله با افزایش قدرت چین بررسی کرده است. ژاپن، به دلیل افزایش نفوذ نظامی و اقتصادی چین، برای امنیت خود به ایالات متحده متکی است. این وابستگی سازشی ضروری برای حفظ امنیت ملی و ثبات منطقه تلقی می‌شود. اتحاد ژاپن با ایالات متحده عاملی بازدارنده در برابر تهاجم بالقوه چین عمل می‌کند. تقویت همکاری‌ها و قابلیت‌های نظامی از جمله مواردی است که به ژاپن اجازه می‌دهد ضمن اتکا به قدرت نظامی ایالات متحده، احساس امنیت کند. ژاپن محدودیت‌هایی را برای خودمختاری خود در سیاست خارجی و مسائل دفاعی پذیرفته است. این در تمایل این کشور برای همسویی نزدیک با منافع راهبردی ایالات متحده دیده می‌شود و اغلب اتحاد را بر اقدام مستقل اولویت می‌دهد. ژاپن، در پاسخ به تهدیدهای منطقه‌ای، در حال تجهیز نیروهای دفاعی خود و افزایش بودجه نظامی با تمرکز بر قابلیت‌هایی است که مکمل توانایی‌های نظامی ایالات متحده باشد. راهبرد ژاپن منعکس‌کننده عمل متوازن‌کننده بین همکاری و

رقابت در منطقه است. اتحاد ژاپن با ایالات متحده انتخابی عمل‌گرایانه برای تضمین امنیت ملی در مواجهه با چین در حال رشد در نظر گرفته می‌شود (Envall, 2023).

در نهایت، می‌توان بیان کرد که در هیچ‌یک از آثار، مثلث چین، ژاپن و آمریکا در منطقه هند-آرام در غالب رویکرد تلفیقی راهبرد *احاله* مسئولیت و موازنه‌سازی جمعی یا ائتلاف‌سازی مرشایمر و *والت* بررسی و تبیین نشده است. تلاش پکن بعد از سال ۲۰۰۸، در نظم‌سازی در عرصه فرامنطقه‌ای که هم‌زمان با بحران مالی در آمریکا و روی کار آمدن اوباما بود، مرکز توجه جدی جامعه سیاست خارجی آمریکا قرار گرفت و راهبردهای کلان این کشور در راستای مهار آن نقد و ارزیابی شد. هند-آرام یکی از نقاط محوری در سیاست خارجی آمریکاست؛ این جامعه *احاله* مسئولیت و ائتلاف‌سازی را به‌جای مداخله‌گرایی حداکثری و مسئولیت‌تامة ایالات متحده در این منطقه می‌نگرد. در این مقاله، در قالب راهبرد *احاله* مسئولیت و موازنه‌سازی جمعی، با تأکید بر نقش ژاپن، سیاست‌های آمریکا در منطقه هند-آرام برای مقابله با سیاست‌های دولت پکن تبیین شده است.

### ۳. چارچوب نظری: توازن فراساحلی؛ موازنه‌سازی جمعی و *احاله* مسئولیت

بررسی نظریه واقعه‌گرایی در روابط بین‌الملل، ما را به این نتیجه رهنمون کرد که نظریه رئالیسم تهاجمی<sup>۱</sup> مرشایمر، در کنار نظریه ائتلاف‌سازی *والت*، چارچوب نظری اتکاپذیری برای تبیین سؤال اصلی این مقاله است. مرشایمر، نظریه‌پرداز واقعه‌گرا، بیان می‌کند که قدرت‌های بزرگ به‌دنبال تسلط در نظام بین‌الملل هستند که به رقابت و درگیری اجتناب‌ناپذیر منجر می‌شود (Mearsheimer, 2001: 21). این چارچوب به‌ویژه برای درک پویایی روابط بین‌الملل در زمینه قدرت‌های در حال ظهور مانند چین و واکنش قدرت‌های مستقر مانند ایالات متحده و ژاپن مفید خواهد بود. مرشایمر استدلال می‌کند که دولت‌ها با تمایل به حداکثر کردن قدرت خود نسبت به سایر دولت‌ها برانگیخته می‌شوند. این اغلب به سیاست‌های تهاجمی با هدف تضمین امنیت و جلوگیری از قدرت گرفتن رقبا منجر می‌شود (ibid). در عین حال، این نظریه با تأکید بر معضل امنیتی، به اقدام‌های دفاعی و اتخاذی دولت اشاره می‌کند که ممکن است سایرین آن را تهدید تلقی کنند و وادار شوند توانایی‌های نظامی خود را افزایش دهند. این چرخه تنش‌ها را تشدید

1. offensive realism

خواهد کرد و به درگیری خواهد انجامید. در زمینه سلطه منطقه‌ای، به گفته مرشایمر، هدف قدرت‌های بزرگ برای تأمین منافع خود، دستیابی به سلطه منطقه‌ای و پیشینه‌سازی قدرت است (ibid: 21-23).

در واقع، بازیگر خواهان حفظ وضع موجود به‌ندرت در نظام بین‌الملل وجود دارد و دولت‌ها همواره به‌دنبال پیشینه‌سازی قدرت خود هستند. در همین راستا، امنیت در پی حداکثرسازی قدرت ایجاد می‌شود و بازیگران نظام بین‌الملل، در وهله نخست در پی دست‌یافتن به سلطه منطقه‌ای از طریق خنثی‌سازی نظم موجود، و در گام دوم، در صورت قدرت‌یابی گسترده، درصدد دستیابی به قدرت سلطه در عرصه جهانی از طریق نظم‌سازی در عرصه بین‌الملل با ابزارهای زور، اقناع‌سازی و مشوق‌های اقتصادی، سیاسی و نظامی هستند (دوشی، ۱۴۰۲).

مرشایمر با توجه به انواع نظام در ساختار بین‌الملل (دوقطبی، چندقطبی متعادل و چندقطبی نامتعادل)، بر این باور است که قدرت‌های بزرگ برای جلوگیری از افزایش قدرت سایر بازیگران، دو راهبرد اصلی را به کار می‌برند: موازنه‌سازی و احاله مسئولیت (کریمی و همکاران، ۱۴۰۱: ۱۴۵). در راهبرد موازنه‌سازی، قدرت‌های بزرگ به‌طور مستقیم وارد عمل می‌شوند تا متجاوزان را کنترل کنند. این روش به دولت‌های تهدیدشده اجازه می‌دهد تا با استفاده از قدرت خود به مقابله با تهدیدها بپردازند (Christensen & Snyder, 2009: 141-143)؛ در مقابل، احاله مسئولیت به معنای واگذاری وظیفه مقابله با تهدیدها به کشورهای دیگر، به‌ویژه قدرت‌های منطقه‌ای است. این راهبرد معمولاً زمانی استفاده می‌شود که شدت تهدیدها کم و مرز مشترکی با دولت متجاوز وجود نداشته باشد (Mearsheimer, 2001: 268-269). زمانی که دو متغیر جغرافیا و شدت تهدیدها کاهش یابد، دولت‌های تحت تهدید احساس آسیب‌پذیری کمتری در برابر تجاوز دارند؛ به‌همین دلیل تمایل بیشتری دارند که مسئولیت مقابله با تهاجم را به دولت هم‌مرز دیگری واگذار کنند که خود نیز تهدید شده است.

در واقع‌گرایی تهاجمی مرشایمر، دولت‌ها همیشه در حالت تهاجمی قرار ندارند؛ بلکه گه‌گاهی با رقیبی مواجه می‌شوند و ترجیحشان بر آن است که پیشینه‌سازی قدرت خود را غیرمستقیم اعمال کنند. از این‌رو، مرشایمر سه دلیل اصلی برای ترجیح احاله مسئولیت بر سایر راهبردها مطرح می‌کند: نخست، کم‌هزینه‌بودن؛ هزینه‌های مقابله بر عهده متحدان است و کشور احاله‌دهنده از



مزایای سواری رایگان<sup>۱</sup> بهره‌برداری می‌کند. دوم، فرسایش نسبی؛ در صورت طولانی‌شدن رقبیت، دولت رقیب و دولت پذیرنده مسئولیت دچار فرسایش می‌شوند و قدرت احاله‌کننده افزایش می‌یابد. در نهایت، امکان استفاده پی‌درپی؛ اگر دولتی با چندین دشمن مواجه شود، مکرر از راهبرد احاله مسئولیت استفاده می‌کند (Snyder, 2002: 161-162).

انتخاب بین موازنه‌سازی و احاله مسئولیت به ساختار نظام بین‌الملل بستگی دارد. در نظام‌های دوقطبی، امکان استفاده از احاله مسئولیت محدود است، در حالی که در نظام‌های چندقطبی متعادل یا نامتعادل، به این راهبرد بیشتر توجه شده است (کریمی و همکاران، ۱۴۰۳: ۱۴۵).

در کنار نظریه مرشایمر، با توجه به شکل‌گیری ائتلاف‌های چندجانبه، باید ادعان داشت که موازنه‌سازی و احاله مسئولیت به شکل جمعی و شکل‌گیری ائتلاف‌ها ذیل برنامه عملیاتی توازن فراساحلی در حال انجام است. نظریه استفان والت درباره تشکیل اتحادها در روابط بین‌الملل در کتاب *ریشه‌های اتحادها* مطرح شده و با واقع‌گرایی تدافعی وی هم‌راستا است. او بر نقش تهدیدهای خارجی به‌مثابه محرک اصلی دولت‌ها برای ایجاد اتحاد تأکید می‌کند (Walt, 1987: 263). والت تأکید می‌کند که دولت‌ها اساساً بر اساس تهدیدهای درک‌شده، و نه صرفاً بر اساس موازنه قدرت، اتحاد تشکیل می‌دهند. کشورها تهدیدها را بر اساس عواملی مانند قابلیت‌های نظامی، نزدیکی جغرافیایی و نیات ارزیابی می‌کنند. این ادراک آن‌ها را یا به توازن در برابر دولت تهدیدکننده سوق می‌دهد یا اینکه به سمت دمسازی<sup>۲</sup> حرکت می‌کنند. زمانی که دولت دیگری را تهدیدی مهم درک می‌کنند، به دنبال اتحاد با سایر دولت‌هایی می‌روند که نگرانی‌های مشابهی دارند. این *ائتلاف‌سازی پاسخی راهبردی است با هدف مقابله با تهدید*. به‌طور مثال، اگر دولتی به‌طور قابل توجهی قوی‌تر شود، کشورهای همسایه در ائتلافی دفاعی متحد می‌شوند تا از سلطه آن جلوگیری کنند. والت، در کنار تمرکز بر درک تهدید، ادعان می‌دارد که ساختار نظام بین‌الملل (خواه دوقطبی، چندقطبی یا تک‌قطبی) بر پویایی ائتلاف تأثیر می‌گذارد. به‌طور مثال، در نظام‌های چندقطبی، ابهام درباره اینکه کدام دولت بیشترین تهدید را ایجاد می‌کند، موازنه‌سازی را پیچیده و راه را برای حرکت به سمت راهبرد دمسازی هموار می‌کند (ibid).

1. free ride

2. bandwagoning

ولت «موازنه‌سازی»<sup>۱</sup> و «دمسازي»<sup>۲</sup> را دو پاسخ راهبردی می‌دانند که دولت‌ها در مواجهه با تهدیدها ممکن است اتخاذ کنند. موازنه‌سازی زمانی اتفاق می‌افتد که دولت‌ها در برابر تهدیدی مشترک با دیگران همسو می‌شوند و به‌طور مؤثر با قدرت دولت تهدیدکننده مقابله می‌کنند. والت معتقد است که موازنه‌سازی بیشتر از دمسازي رایج است، زیرا دولت‌ها ترجیح می‌دهند امنیت خود را در راستای مقابله با تهدیدها، به‌جای همسویی با آن‌ها، افزایش دهند. راهبرد دمسازي شامل همسویی دولت‌های ضعیف‌تر با بازیگر قوی‌تر از روی ضرورت به‌منظور مقابله با تهدید قدرت رقیب و بزرگ‌تر است. والت خاطر نشان می‌کند که دولت‌های ضعیف‌تر احتمال بیشتری دارد که به این سمت حرکت کنند؛ به‌ویژه زمانی که به این درک برسند که دولت قوی‌تر تهدیدی قابل‌توجه برای امنیت آن‌هاست. تهدیدهای خارجی همچون تسهیل‌کننده (کاتالیزور) برای اتحادها عمل می‌کند. والت معتقد است که درک تهدیدهای خارجی برای تشکیل اتحادها اساسی است. کشورها محیط امنیتی خود را ارزیابی می‌کنند و برای ایجاد ائتلاف‌هایی با هدف افزایش چشم‌انداز بقای خود انگیزه دارند (ibid). این دیدگاه با نظریهٔ توازن قدرت گسترده‌تر هم‌راستاست. طبق این نظریه، دولت‌ها به‌دنبال توازن تهدیدها برای حفظ ثبات خواهند بود.

در این مقاله، با رویکرد تطبیقی به چارچوب نظری پژوهش، در کنار توجه مرشایم به موضوع نظام چندقطبی نامتعادل، بر راهبردهای مورد توجه وی در کنار نظریهٔ ائتلاف‌سازی والت تأکید شده است. با نگاهی به نظام توزیع قدرت چندقطبی نامتعادل، ظهور قدرت‌های بزرگ مانند چین در برابر آمریکا، نبود مرزهای مشترک میان این دو کشور و پایین‌بودن شدت تهدیدها از سوی پکن، آمریکا به اتخاذ راهبرد احالهٔ مسئولیت و موازنه‌سازی جمعی پرداخته است. این راهبرد به شکل ائتلاف‌سازی زیر چتر توازن فراساحلی در مقابل چین، به‌ویژه در منطقهٔ هند-آرام، پیاده‌سازی می‌شود. در ادامه، به تبیین و بررسی این راهبرد در این منطقه خواهیم پرداخت.

#### ۴. بحث و بررسی

##### ۱.۴. اهمیت هند-آرام برای آمریکا و چالش چین

اهمیت نظامی و اقتصادی هند-آرام از تمرکز جمعیت جهانی، تولید اقتصادی، مسیرهای تجاری و تنش‌های جغرافیای سیاسی ناشی می‌شود. این منطقه، مرکز

1. balancing  
2. hedging

مهم جغرافیای سیاسی جهانی و محرک اصلی اقتصاد جهانی است. حفظ ثبات و دسترسی در منطقه برای قدرت‌های بزرگی مانند آمریکا و متحدانش اولویت دارد و منطقه اصلی تمرکز برای راهبرد نظامی ایالات متحده شناخته شده است. به گفته ژنرال مارک میلی، رئیس ستاد مشترک ارتش آمریکا، این منطقه خانه چهار کشور پرجمعیت چین، هند، ایالات متحده و اندونزی و دارای بزرگ‌ترین نیروهای نظامی در سطح جهان است. هدف ارتش ایالات متحده حفظ حضور و آمادگی قوی در این منطقه برای مقابله با هرگونه تجاوز احتمالی از سوی چین و روسیه است که تهدیدی برای نظم بین‌المللی مبتنی بر قوانین پساجنگ جهانی دوم تلقی می‌شود (Milly, 2023).

تنش‌ها در جغرافیای سیاسی، به دلیل تلاش‌های چین برای گسترش نفوذ از طریق ابزارهای نظامی مانند جزیره‌سازی مصنوعی در دریای چین جنوبی، زیاد است. ایالات متحده به اتحاد با کشورهایی مانند ژاپن، کره جنوبی و استرالیا برای تقویت قابلیت‌های نظامی در منطقه از طریق رزمایش‌ها و عملیات‌های مشترک متکی است. هند-آرام بیش از ۶۰ درصد از تولید ناخالص داخلی جهانی و دوسوم رشد اقتصادی جهانی را تشکیل می‌دهد که اقتصادهای بزرگی مانند ایالات متحده، چین و ژاپن را در خود جای داده است (Centre for Geopolitics, 2024).

امروزه، هند-آرام بیش از یک‌سوم کل فعالیت‌های اقتصادی جهان را تشکیل می‌دهد. سه کشور از بزرگ‌ترین اقتصادهای جهان - یعنی جمهوری خلق چین (چین)، هند و ژاپن - در این بخش از جهان قرار دارند. پیش‌بینی می‌شود که تا سال ۲۰۴۰م، این منطقه بیش از نیمی از اقتصاد جهانی یا بیش از دو برابر سهم ایالات متحده را تشکیل خواهد داد. این منطقه محرک اصلی اقتصاد جهانی و شامل مسیرهای کلیدی تجاری دریایی مانند تنگه مالاکاست که بخش قابل توجهی از تجارت جهانی از طریق آن جریان دارد. بسیاری از شلوغ‌ترین و مهم‌ترین بنادر جهان در اقیانوس هند و هند-آرام قرار دارد و تجارت بین آسیا، اروپا و آفریقا را تسهیل می‌کند. این منطقه با ۴۰ اقتصاد، بیش از ۴ میلیارد نفر جمعیت و ۴۷/۱۹ تریلیون دلار فعالیت اقتصادی، فرصت‌های اقتصادی قابل توجهی را در خود جای داده است (Canada, 2024).

ظهور چین در منطقه هند و هند-آرام چالش‌های مهمی را برای قدرت و نفوذ ایالات متحده ایجاد می‌کند. چین، به‌ویژه از طریق گسترش نیروهای دریایی خود و ایجاد پایگاه‌های نظامی در دریای چین جنوبی، توانایی‌های نظامی و حضور

خود را در اقیانوس هند و هند-آرام به‌طور قلیل‌توجهی افزایش داده است. این به‌معنای گسترش چالشی مستقیم برای تسلط نظامی ایالات‌متحده در منطقه است. به‌لحاظ تاریخی، حضور نیروی دریایی قوی نمایانگر آن بوده است. قاطعیت چین در مناقشه‌های ارضی، به‌ویژه در دریای چین جنوبی و دریای چین شرقی، تنش‌ها را با کشورهای همسایه افزایش داده است. ایالات‌متحده نیز با تأکید مجدد بر تعهد خود به آزادی دریانوردی و حمایت از متحدانی مانند ژاپن و فیلیپین، در پاسخ به این موضوع، از ادعاهای ارضی آن‌ها علیه چین استفاده کرده است. در بعد اقتصادی نیز چین در جایگاه دومین اقتصاد بزرگ جهان، چالش اقتصادی مهم ایالات‌متحده است. از سال ۲۰۲۴م، هر دو کشور با هم به‌ترتیب ۴۳/۲ و ۳۴/۵۱ درصد از کل تولید ناخالص داخلی جهانی را به‌لحاظ اسمی از آن خود کرده‌اند. تولید ناخالص داخلی هر دو کشور با اختلاف زیادی از کشورهای رتبه سوم ژاپن (اسمی) و هند بیشتر است. طبق پیش‌بینی‌های صندوق بین‌المللی پول برای سال ۲۰۲۴م، ایالات‌متحده با ۲۸/۷۸۱ میلیارد دلار از چین (۱۸۵۳۳ میلیارد دلار) پیش‌تاز است. اقتصاد چین معادل ۳۵۲۹۱ میلیارد دلار است (StatisticsTimes, 2024).

ایالات‌متحده و چین درگیر رقابتی راهبردی برای نفوذ در منطقه هند-آرام هستند. این رقابت ابعاد نظامی، اقتصادی و ایدئولوژیکی را در بر می‌گیرد و هر دو قدرت به‌دنبال تثبیت سلطه خود در منطقه هستند. هدف ایالات‌متحده حفظ نظم بین‌المللی مبتنی بر قوانین پساجنگ جهانی دوم است (National Defense University Press, 2020). با توجه به چالشگری چین در نظام بین‌الملل و اهمیت منطقه هند-آرام، ایالات‌متحده از راهبردهای متنوعی برای خنثی‌سازی قدرت چین بهره گرفته است. به‌عبارتی، ظهور چین در جایگاه قدرت اقتصادی و نظامی جهانی عامل اصلی در اهمیت هند و اقیانوسیه است. از طرفی دیگر، بسیاری از کشورهای منطقه به‌دنبال ایجاد توازن بین نفوذ چین و تضمین امنیت خود از طریق تقویت اتحاد و مشارکت با کشورهای همسوی منطقه‌ای و فرمان‌مندی هستند. در این راستا، سیاست آمریکا در قبال اقیانوس هند-آرام در جهت مهار چین بر سه راهبرد متفاوت متمرکز شده است: تعامل عمیق با چین، دفاع فعال، و ایجاد توازن در فراساحل. از هم‌این‌رو، دولت واشنگتن آگاه است که برای پیاده‌سازی سیاست‌های خود در جهت حفظ وضع موجود در عرصه جهانی برای مهار دولت پکن و تثبیت برتری خود باید اقدام‌های خود را از حوزه منطقه

هند-آرام آغاز کند. بنابراین، همین امر سبب شده است رقابت گسترده‌ای در زمینه‌های امنیتی-نظامی، اقتصادی-تجاری و سیاسی-دیپلماسی میان این دو ابرقدرت در این منطقه شکل گیرد (کریمی و همکاران، ۱۴۰۱: ۱۴۷).

آمریکا پنج هدف را در این منطقه دنبال می‌کند: ۱. پیشروی در منطقه؛ ۲. ایجاد اتصالات در داخل و خارج از منطقه؛ ۳. افزایش رونق اقتصادی و تجاری منطقه؛ ۴. تقویت امنیت حوزه منطقه؛ ۵. ایجاد انعطاف‌پذیری منطقه‌ای در برابر تهدیدهای فراملی (7) *The White House, 2022a*. در همین راستا، در سند راهبردی هند-آرام ایالات متحده در سال ۲۰۲۲ م ابتکارها این‌گونه بیان شده است: ۱. تقویت اتحادها و مشارکت‌ها؛ تعمیق اتحادهای امنیتی خود با کشورهایی مانند ژاپن، کره جنوبی، استرالیا و فیلیپین و افزایش همکاری با شرکای نوظهور مانند هند، اندونزی و ویتنام. ۲. پیشبرد بازدارندگی یکپارچه؛ استفاده ترکیبی از ابزارهای نظامی، اقتصادی و دیپلماتیکی برای جلوگیری از تجاوز و مقابله با اجبار در منطقه به‌منظور حفظ صلح و ثبات در سراسر تنگه تایوان. ۳. ترویج هند-آرام آزاد و باز؛ اهمیت نهادهای دموکراتیکی، مطبوعات آزاد و جامعه مدنی و تمرکز بر حصول اطمینان از اداره دریاها و آسمان‌های منطقه با قوانین بین‌المللی. ۴. تعامل اقتصادی؛ تلاش برای تقویت روابط اقتصادی خود را با کشورهای هند و هند-آرام از طریق توافقنامه‌های تجاری و سرمایه‌گذاری. ۵. ایجاد ظرفیت جمعی؛ تطبیق اتحادها و مشارکت‌های خود برای مقابله با چالش‌های جدید از جمله چالش‌های ناشی از فناوری‌های نوظهور و تهدیدهای سایبری (9) *ibid*.

ژاپن، یکی از متحدان اصلی ایالات متحده در منطقه هند-آرام، از جمله کشورهای محدودی است که ایالات متحده در آن پایگاه هوایی دارد. پایگاه هوایی کادنا<sup>۱</sup> در اوکیناوا ژاپن، بزرگ‌ترین پایگاه هوایی آمریکا در آسیاست و میزبان تعداد زیادی هواپیمای جنگنده و بمب‌افکن است. ایالات متحده ژاپن را متحدی مهم در راهبرد هند-آرام خود می‌بیند و دو کشور برای تقویت همکاری امنیتی، تعریف اهداف مشترک، مشارکت در جنوب شرق آسیا و ارتقای همکاری اقتصادی، سیاسی و نظامی تلاش می‌کنند. ژاپن با دارا بودن این ویژگی‌ها توانسته است یکی از متحدان اصلی ایالات متحده شود: سومین اقتصاد در عرصه جهانی، قرار گرفتن در مجاورت چین، و داشتن چالش‌های سرزمینی با این کشور. این سیاست امنیتی ژاپن را شکل داده و ایالات متحده به‌منظور مهار چین، به قابلیت‌های دفاعی ژاپن نیز کمک

1 Kadena

قبل توجهی کرده است. در همین راستا، ژاپن و ایالات متحده از سال ۱۹۹۶م موافقتنامه‌های امنیتی متعددی را برای تقویت همکاری، تنظیم مجدد نیروهای ایالات متحده و ارتقای اهداف راهبردی مشترک در منطقه امضا کرده‌اند (Kei Koga et al., 2019). این همکاری با توجه به چالشگری چین در قالب همکاری‌های دوجانبه و چندجانبه بین ایالات متحده و ژاپن عمیق‌تر شده است. پیوند چالشگری چین در تضعیف منافع ایالات متحده و ژاپن موجب شده است این دو در قالب دوجانبه و چندجانبه به همکاری روی آورند. ژاپن یکی از قدرت‌های میانه جهانی و دارای مؤلفه‌های قدرت اقتصادی، سیاسی و جغرافیای سیاسی است و به سبب تعارض منافع در برخی حوزه‌ها با پکن، در راهبردهای موازنه جمعی، ائتلاف‌سازی و احاله مسئولیت ایالات متحده جایگاه ویژه‌ای دارد. در ادامه به تبیین آن می‌پردازیم.

#### ۲.۴. ژاپن در راهبرد توازن فراساحلی ایالات متحده در مهار چین

رویکرد ژاپن به راهبرد توازن فراساحلی ایالات متحده در منطقه هند-آرام بخشی از سیاست گسترده‌تر مهار چین و نشان‌دهنده تعامل پیچیده دفاعی، دیپلماسی و منافع اقتصادی است. این راهبرد، به‌ویژه با توجه به افزایش تنش‌ها در منطقه هند-آرام، درباره اقدام‌های قاطعانه چین در خور توجه است. سیاست امنیتی ژاپن به شدت به اتحاد این کشور با ایالات متحده متکی است که برای حفظ ثبات منطقه و مقابله با نفوذ چین بسیار مهم است. در راهبرد امنیت ملی اخیر، بر تقویت این اتحاد و درعین حال تقویت قابلیت‌های نظامی خود ژاپن، از جمله توسعه قابلیت‌های ضدحمله در برابر تهدیدهای احتمالی چین و کره شمالی تأکید شده است (Sahashi, 2020: 235). ژاپن تولنایی‌های نظامی و قاطعیت روبه رشد چین را تهدیدی مهم به‌ویژه درباره اختلاف‌های ارضی در دریای چین شرقی و تنگه تایوان می‌داند. ظرفیت درگیری بر سر این مناطق، ژاپن را وادار کرده است تا در وضعیت دفاعی خود تجدیدنظر کند و به سمت موضعی فعال‌تر حرکت کند، شامل آماده‌سازی برای دفاع شخصی-جمعی در کنار نیروهای آمریکایی.

#### ۳.۴. همکاری تجاری و اقتصادی ژاپن و ایالات متحده

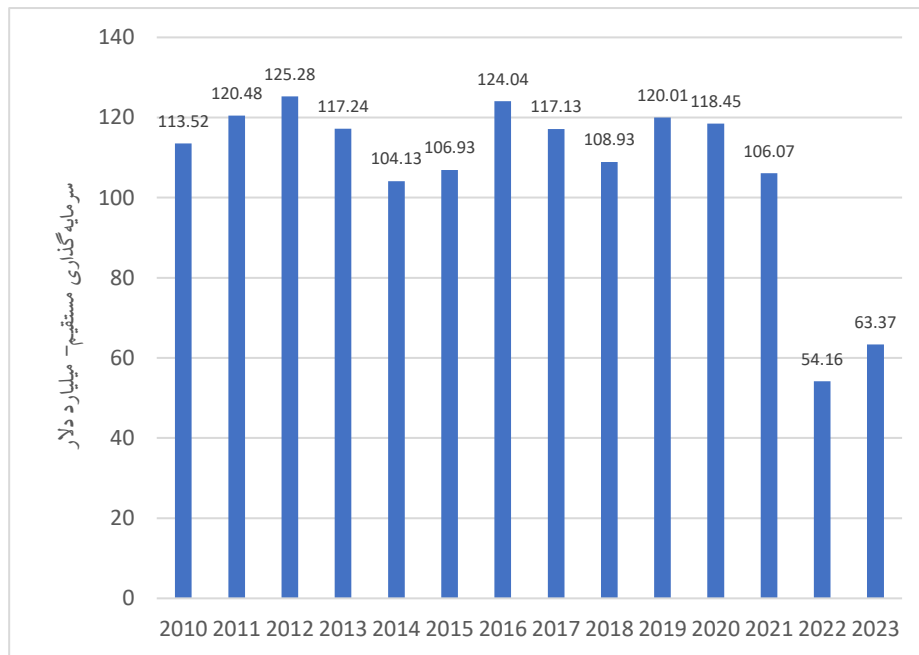
همکاری اقتصادی بین ژاپن و ایالات متحده در سال‌های اخیر به‌طور قابل توجهی توسعه یافته است که به دلیل منافع راهبردی مشترک، به‌ویژه در پاسخ به چالش‌های ایجادشده چین است. این مشارکت ابعاد مختلفی را در بر می‌گیرد، از قبیل سرمایه‌گذاری مستقیم، توافقنامه‌های تجاری و تلاش‌های مشترک در زمینه فناوری و دفاع.

## ۱.۳.۴. سرمایه‌گذاری تجاری ژاپن و آمریکا

ژاپن چهارمین اقتصاد بزرگ جهان، ششمین شریک تجاری بزرگ ایالات متحده در سال ۲۰۲۳ م و بزرگ‌ترین منبع سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در ایالات متحده است. ژاپن - با وجود داشتن ثروت، سطح بالای توسعه و پذیرش عمومی سرمایه‌گذاری خارجی، و سهام سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی ورودی - در میان کشورها کمترین سهم را از تولید ناخالص داخلی داراست. در پایان سال ۲۰۲۲ م، سهام سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در داخل ژاپن ۳۴۹ میلیارد دلار، برابر با ۸/۳ درصد از تولید ناخالص داخلی، و یکی از پایین‌ترین سطوح سرمایه‌گذاری در جهان بود. در آوریل ۲۰۲۳ م، شورای ترویج سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در ژاپن<sup>۱</sup> به رهبری وزیر اقتصاد و سیاست مالی و با پیوستن وزرای دولت ژاپن، «برنامه اقدام برای جذب منابع انسانی و مالی از خارج از کشور» را اعلام کرد و قصد دارند تا سال ۲۰۳۰ م، سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی ژاپن را به ۱۰۰ تریلیون ین یا حدود ۱۵ درصد تولید ناخالص داخلی، دو برابر کنند (Statista, 2024a). سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی ایالات متحده در سال ۲۰۲۴ م، در ژاپن حدود ۶۰ میلیارد دلار تخمین زده می‌شود که سطح سرمایه‌گذاری ثابتی را در مقایسه با سال‌های گذشته نشان می‌دهد. بخش‌های کلیدی جذب سرمایه‌گذاری ایالات متحده شامل فناوری، خودرو و داروسازی است. در مقابل، سرمایه‌گذاری ژاپن در ایالات متحده تقریباً ۴۰ میلیارد دلار برای سال ۲۰۲۴ م برآورد شده است (Goodman, 2024). از این میزان، سرمایه‌گذاری ایالات متحده در ژاپن طی سال‌های ۲۰۲۰ تا ۲۰۲۴ م در نمودار شکل ۱ به تصویر درآمده است.

ایالات متحده قانون تجارت خارجی جامعی با ژاپن ندارد. موافقتنامه تجاری درباره دسترسی به بازار برای برخی کالاهای کشاورزی و صنعتی در اکتبر ۲۰۱۹ م بین دو کشور امضا شد. به‌موجب آن، ژاپن تعرفه‌ها را بر بیش از ۹۰ درصد کالاهای کشاورزی ایالات متحده و متقابلاً ایالات متحده بر ۲۴۱ کالای کشاورزی و صنعتی ژاپن کاهش دادند. همچنین، در اکتبر ۲۰۱۹ م، ایالات متحده و ژاپن توافقنامه تجارت دیجیتال را برای تعیین قوانین تشویق تجارت دیجیتال بین دو کشور امضا کردند. هر دو قرارداد در ۱ ژانویه ۲۰۲۰ م لازم‌الاجرا شد.

1. Council for Promotion of Foreign Direct Investment in Japan



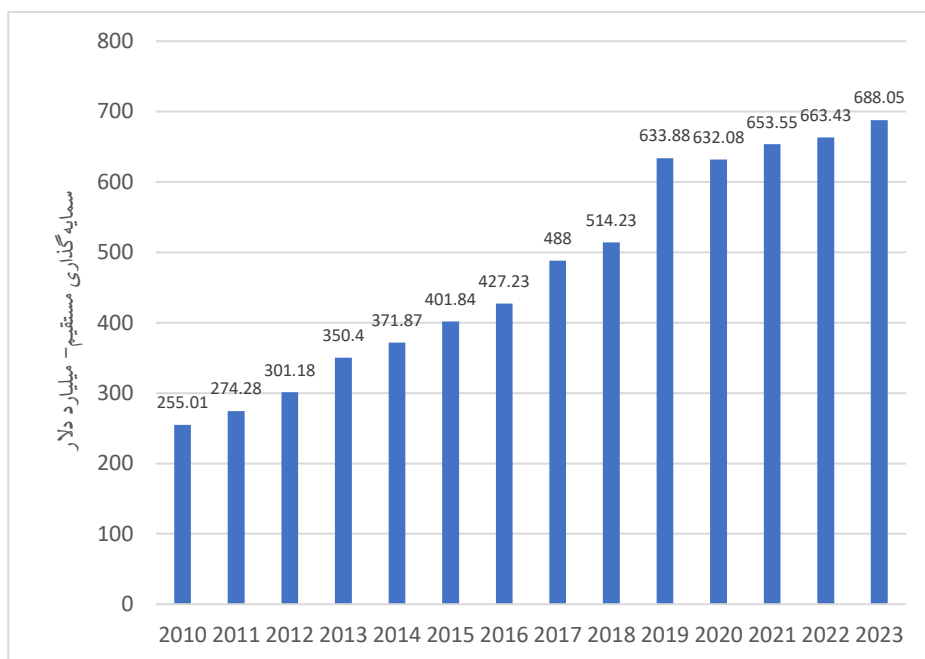
منبع: (Statista, 2024a)

شکل ۱. سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی ایالات متحده در ژاپن از سال ۲۰۱۰ تا ۲۰۲۳ م (به میلیارد دلار آمریکا)

در ۲۸ مارس ۲۰۲۳ م، دو دولت توافقنامهٔ مواد معدنی حیاتی ایالات متحده و ژاپن را امضا کردند که در همان روز لازم‌الاجرا شد و باتری را با استفاده از هریک از مواد معدنی کلیدی تهیه یا فرآوری شده ساختند (Statista, 2024a). دور پنجم از جلسات تحت شراکت ایالات متحده و ژاپن در حوزهٔ تجاری در ۲۹ تا ۳۰ ژوئیهٔ ۲۰۲۴ م برگزار شد. هدف این ابتکار تقویت روابط تجاری با پرداختن به شفافیت نظارتی، مسائل اقتصاد دیجیتال و شیوه‌های پایدار در بخش‌های مختلف بود.

در مقابل، ژاپن نیز از سال ۲۰۱۹ م با نزدیک به ۸۰۰ میلیارد دلار سرمایه‌گذاری در بخش‌های مختلف آمریکا، بزرگ‌ترین سرمایه‌گذار خارجی در ایالات متحده بوده است. این سرمایه‌گذاری تقریباً ۱ میلیون شغل را در ایالات متحده پشتیبانی می‌کند (Statista, 2024b). در نمودار شکل ۲ میزان سرمایه‌گذاری ژاپن در ایالات متحده طی سال‌های ۲۰۱۰ تا ۲۰۲۳ م نشان داده شده است.





منبع: (Statista, 2024b)

شکل ۲. نمودار سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی ژاپن در ایالات‌متحده از سال ۲۰۱۰ تا ۲۰۲۳م (به میلیارد دلار آمریکا)

### ۲.۳.۴. تجارت دوجانبه ژاپن و آمریکا

ایالات‌متحده به‌منظور بهره‌گیری از عنصر کنشگری نیابتی، از ابزار تجارت دوجانبه با ژاپن استفاده می‌کند. تجارت دوجانبه بین ژاپن و ایالات‌متحده با چارچوبی قوی از توافقات و وابستگی متقابل اقتصادی قابل توجه مشخص می‌شود. تاریخ لازم‌الاجرا شدن توافقنامه تجاری بین دو کشور در ۱ ژانویه ۲۰۲۰م پس از امضای آن در ۷ اکتبر ۲۰۱۹م و تصویب بعدی در قوه مقننه ژاپن محقق شد (USDA Foreign Agricultural Service, 2024). هدف این توافق افزایش دسترسی به بازار برای هر دو کشور، به‌ویژه در محصولات کشاورزی و صنعتی، بود. ژاپن متعهد شد تعرفه‌ها را به‌طور قابل توجهی کاهش دهد و به تقریباً ۹۰ درصد از محصولات غذایی و کشاورزی ایالات‌متحده اجازه داد که پس از اجرای کامل، بدون عوارض گمرکی یا با دسترسی ترجیحی وارد شوند. ایالات‌متحده با حذف یا کاهش تعرفه‌های ۲۴۱ ردیف، از جمله محصولات کشاورزی مختلف مانند گوشت گاو و سس سویا، همچنین کالاهای صنعتی مانند ماشین ابزار و دوچرخه موافقت کرد. یکی از توافقنامه‌های دیگر، توافقنامه تجارت دیجیتال ایالات‌متحده و ژاپن

است. این توافقنامه با تدوین مقررات استاندارد بالا برای تجارت دیجیتال، تکمیل کننده توافقنامه تجاری بین دو کشور است و تضمین می‌کند انتقال داده‌ها به شکلی نامحدود و درعین حال از حریم خصوصی مصرف‌کننده محافظت شود. در سال ۲۰۲۳، کل تجارت کالا و خدمات بین ایالات متحده و ژاپن تقریباً ۳۰۷/۴ میلیارد دلار بود. صادرات ایالات متحده ۱۱۸/۵ میلیارد دلار و واردات ۱۸۸/۸ میلیارد دلار بود که به کسری تجاری ۷۰/۳ میلیارد دلاری منجر شده است. شایان ذکر است، صادرات ایالات متحده به ژاپن افزایش مداوم داشته است که نشان‌دهنده رشد ۷/۳ درصدی نسبت به سال قبل است. در سال ۲۰۲۳، ژاپن ششمین شریک تجاری بزرگ ایالات متحده بود (Congresitoonal Research Service, 2021). پیش‌بینی‌ها برای سال ۲۰۲۴، حاکی از ادامه رشد در حجم تجارت است، با حفظ تراز تجاری مثبت ژاپن در برابر ایالات متحده، که منعکس‌کننده روابط اقتصادی مداوم و ائتلاف اقتصادی متقابل است.

#### ۴.۴. همکاری‌های امنیتی - نظامی ژاپن و آمریکا

همکاری‌های امنیتی بین ژاپن و ایالات متحده یکی از ارکان اصلی راهبرد امنیتی در منطقه آسیا-آرام (آسیا-پاسیفیک) شناخته می‌شود. این همکاری‌ها تحت تأثیر چالش‌های امنیتی ناشی از قدرت‌گیری چین و تهدیدهای هسته‌ای کره شمالی قرار دارد. بعد از موافقتنامه امنیتی ۱۹۵۱م درباره پلیمان اشغالگری ایالات متحده در ژاپن (United States Department of State, 2022)، همکاری امنیتی - نظامی آمریکا و ژاپن در راستای مهار چین با تمرکز بر احاله مسئولیت و ائتلاف‌سازی در شرق آسیا در قلب توافقنامه‌های امنیتی-نظامی، ائتلاف‌های چندجانبه و نظایر آن است. توافقنامه‌های امنیتی-نظامی دوجانبه ایالات متحده و ژاپن بیشتر تحت نظارت معاهده همکاری و امنیت متقابل<sup>۱</sup> است که در ۱۹ ژانویه ۱۹۶۰م امضا و در ۲۳ ژوئن ۱۹۶۰م لازم‌الاجرا شد. این معاهده سنگ‌بنای اتحاد نظامی عمل می‌کند. ماده ۵ این معاهده، ایالات متحده را متعهد می‌سازد که در صورت حمله مسلحانه از ژاپن دفاع و چارچوب دفاعی متقابل و روشن ایجاد کند. همچنین، در این معاهده، اجازه استقرار پایگاه‌های نظامی ایالات متحده در ژاپن داده شده است، که برای منافع راهبردی ایالات متحده در شرق آسیا ضروری است (U.S. Department of Defense, 2024). مهم‌ترین آن پایگاه هوایی کادنا<sup>۲</sup> (تأسیس

1. Treaty of Mutual Cooperation and Security  
2. Kadena Air Base

یکی از مهم‌ترین و بزرگ‌ترین پایگاه‌های نیروی هوایی ایالات متحده در منطقه آسیا-آرام است که در استان اوکیناوا ژاپن واقع شده است. این پایگاه «کلید آرام (پاسیفیک)» شناخته می‌شود و به دلیل موقعیت راهبردی آن، در عملیات‌های نظامی ایالات متحده نقش کلیدی ایفا می‌کند.

جدول ۱. نمای کلی تجارت ایالات متحده و ژاپن (۲۰۱۰-۲۰۲۳م)

سال	صادرات ایالات متحده به ژاپن (به میلیارد دلار)	صادرات ژاپن به ایالات متحده (به میلیارد دلار)	کل تجارت (به میلیارد دلار)	تراز تجاری (به میلیارد دلار)
۲۰۱۰	۶۹.۳	۱۳۴.۳	۲۰۳.۶	-۶۵.۰
۲۰۱۱	۶۶.۵	۱۳۶.۶	۲۰۳.۱	-۷۰.۱
۲۰۱۲	۶۹.۹	۱۴۳.۷	۲۱۳.۶	-۷۳.۸
۲۰۱۳	۷۵.۳	۱۴۰.۵	۲۱۵.۸	-۶۵.۲
۲۰۱۴	۸۳.۱	۱۳۷.۲	۲۲۰.۳	-۵۴.۱
۲۰۱۵	۶۲.۵	۱۳۴.۴	۱۹۶.۹	-۷۱.۹
۲۰۱۶	۶۳.۰	۱۲۹.۷	۱۹۲.۷	-۶۶.۷
۲۰۱۷	۶۸.۹	۱۳۴.۶	۲۰۳.۵	-۶۵.۷
۲۰۱۸	۷۵.۴	۱۴۳.۹	۲۱۹.۳	-۶۸.۵
۲۰۱۹	۷۴.۵	۱۳۹.۲	۲۱۳.۷	-۶۴.۷
۲۰۲۰	۶۳.۵	۱۲۳.۱	۱۸۶.۶	-۵۹.۶
۲۰۲۱	۷۳.۱	۱۳۵.۰	۲۰۸.۱	-۶۱.۹
۲۰۲۲	۸۰.۳	۱۴۸.۳	۲۲۸.۶	-۶۸.۰
۲۰۲۳	۱۱۸.۵	۱۸۸.۸	۳۰۷.۴	-۷۰.۳

منبع: گردآوری نویسندگان

تا نوامبر ۲۰۲۴م، بیش از ۵۰,۰۰۰ نیروی آمریکایی در ژاپن مستقر می‌شوند که این کشور را به یکی از مهم‌ترین پایگاه‌های نظامی ایالات متحده تبدیل کرده است. در طول دهه گذشته، ژاپن همکاری خود را با هند، استرالیا و کشورهای آسیای جنوب شرقی گسترش داده است؛ سیاستی که با دیدگاه بایدن درباره شبکه<sup>۱</sup> ائتلاف‌های منطقه‌ای به منظور «تقویت متقابل» هم‌راستاست (Congresitonal Research Service, 2021).

1. latticework

در همین راستا، در ۲۸ ژوئیه ۲۰۲۴، وزیرای خارجه و دفاع ایالات متحده و ژاپن (۲+۲) در توکیو بیانیه‌ای را با عنوان «بیانیه مشترک کمیته مشورتی امنیتی»<sup>۱</sup> منتشر کردند. مهم‌ترین وجه این بیانیه این بود که وزرا اعلام کردند که سیاست خارجی جمهوری خلق چین به دنبال تغییر نظم بین‌المللی به نفع خود و به ضرر دیگران است. آن‌ها تأکید کردند که «جمهوری خلق چین از اجبار سیاسی، اقتصادی، نظامی علیه کشورها، شرکت‌ها و جامعه مدنی استفاده می‌کند. [...] چین نگرانی جدی برای اتحاد و کل جامعه بین‌المللی و بزرگ‌ترین چالش راهبردی در منطقه هند-آرام است» (Ishimoto, 2024). در این نشست طرف‌ها بر بهبود و بازنگری چارچوب فرماندهی و کنترل تمرکز کردند. یکی از مسائل کلیدی مطرح شده در این نشست، چگونگی سازماندهی مجدد آن‌ها برای افزایش یکپارچگی برنامه‌ریزی و عملیات بین نیروهای ایالات متحده و ژاپن و نیروهای دفاع شخصی ژاپن در زمان صلح و هنگام بحران‌های امنیتی در منطقه و نتیجه آن تعهد به تشکیل ستاد نیروی مشترک برای عملیات فرماندهی ترکیبی بین دو کشور بود. هدف از این اقدام‌ها عبارت بود از تقویت همکاری امنیتی آمریکا و ژاپن برای آمادگی مقابله با رخدادهایی مانند آنه در اطراف تایوان. این جلسه، در حوزه همکاری امنیتی دو کشور گام مهمی محسوب می‌شود؛ زیرا نخستین باری است که بحث‌ها بر سر «بازدارندگی گسترده»<sup>۲</sup> است که بر تعهد ایالات متحده برای دفاع از ژاپن، بر اساس ماده پنجم پیمان امنیت متقابل شامل قابلیت‌های هسته‌ای، تأکید شده است. در عین حال، وزیران پیشرفت ژاپن توسعه قابلیت‌های دفاعی را تأیید کردند و بر اهمیت همکاری ایالات متحده و ژاپن در رسیدگی به چالش‌های امنیتی منطقه‌ای تأکید دارند (U.S. Department of Defense, 2024). در این گفتگوها، بر تعهد به تقویت روابط نظامی و افزایش قابلیت‌های عملیاتی مشترک برای جلوگیری از تهدیدهای احتمالی در منطقه هند و هند-آرام تأکید شده است. این نشست منعکس‌کننده تلاش‌های جاری برای تقویت اتحادهای امنیتی در پاسخ به پویایی‌های جغرافیای سیاسی در حال تحول، به ویژه درباره کره شمالی و چین است. به دنبال آن، نشست وزیرای خارجه چهار کشور ایالات متحده، ژاپن، استرالیا و هند (کوآد) در ۲۹ ژوئیه ۲۰۲۴ برگزار شد. کشورهای کوآد بیانیه مشترکی را منتشر کردند که در آن از مانورهای وحشت‌آور چین در دریای چین جنوبی انتقاد کردند.

1. Joint Statement of the Security Consultative Committee  
2. extended deterrence

۵.۴. ائتلاف‌های اقتصادی-تجاری و نظامی-امنیتی ایالات متحده با ژاپن در هند-آرام همکاری چندجانبه مشترک بین ژاپن و ایالات متحده عمیقاً در چارچوب‌های نهادی مختلف ریشه دارد که امنیت، همکاری اقتصادی و ثبات منطقه‌ای را تقویت می‌کند. مشخصه این همکاری ترکیبی از توافقات دوجانبه و مشارکت فعال در سازمان‌های چندجانبه است. این همکاری‌ها به منظور موازنه دسته‌جمعی برای مهار چین انجام می‌شود. به‌عنوان طرحی پیشرو در سیاست خارجی ژاپن، شینزو آبه، نخست‌وزیر سابق ژاپن، طی سخنرانی ماه اوت ۲۰۰۷م خود خطاب به مجلس قانونگذاری هند، پیشنهاد کرد «هلال آزادی و رفاه در آسیای بزرگ‌تر»<sup>۱</sup> تأسیس شود (Abe, 2007). آبه، بی‌آنکه نامی از چین ببرد، از هند، ایالات متحده، استرالیا و ژاپن، به‌عنوان چهار قدرت دخیل در این پیشنهاد یاد کرد، که خود نشانه‌ای از ماهیت و ابعاد سیاسی توأم با کاربرد این مفهوم محسوب می‌شد. در مقابل، در راهبرد امنیت ملی آمریکا نیز به‌صراحت عنوان شده است: «تنها در صورتی می‌توان به هند و اقیانوس آرام آزاد و باز دست یافت که ظرفیت جمعی ایجاد کنیم. ما در حال تعمیق پنج پیمان منطقه‌ای و نزدیک‌ترین مشارکت‌ها هستیم. ما بر مرکزیت آسه‌آن تأکید می‌کنیم و به‌دنبال پیوندهای عمیق‌تر با شرکای آسیای جنوب‌شرقی هستیم. ما تعاملات دیپلماتیک، توسعه و اقتصادی منطقه‌ای خود را با تمرکز ویژه بر آسیای جنوب‌شرقی و جزایر اقیانوس آرام گسترش خواهیم داد. [...] ما مجدداً بر تعهدات آهین خود نسبت به متحدان خود در معاهده هند و اقیانوسیه-استرالیا، ژاپن، جمهوری کره، فیلیپین و تایلند- تأکید می‌کنیم و به مدرن‌سازی این اتحادها ادامه خواهیم داد. بر تعهد تزلزل‌ناپذیر خود به دفاع از ژاپن تحت معاهده امنیتی متقابل خود تأکید می‌کنیم که جزایر سنکاکو را پوشش می‌دهد.» (The White House, 2022c: 37). در ادامه، به مهم‌ترین همکاری‌های نهادی بین دو کشور در چارچوب ائتلاف‌سازی می‌پردازیم که نوعی موازنه‌سازی جمعی در برابر تلاش‌های چین در شرق آسیا محسوب می‌شود.

#### ۱.۵.۴. چارچوب اقتصادی هند و هند-آرام برای شکوفایی

چارچوب اقتصادی هند و هند-آرام برای شکوفایی ابتکار اقتصادی راهبردی‌ای است که ایالات متحده در ۲۳ می ۲۰۲۲م با هدف تقویت همکاری اقتصادی بین کشورهای منطقه هند و هند-آرام راه‌اندازی کرد. این چارچوب، ۱۴ کشور عضو و

1. Arc of Freedom and Prosperity for broader Asia

مؤسس را شامل می‌شود: استرالیا، برونئی، فیجی، هند، اندونزی، ژاپن، کره جنوبی، مالزی، نیوزیلند، فیلیپین، سنگاپور، تایلند، ایالات متحده و ویتنام. این کشورها روی هم تقریباً ۴۰ درصد از تولید ناخالص داخلی جهانی و ۲۸ درصد تجارت جهانی کالا و خدمات را تشکیل می‌دهند (United States Trade Representative, 2024). هر دو کشور اعضای فعال اِپف<sup>۱</sup> هستند که هدف آن رشد اقتصادی و همکاری بین اقتصادهای حاشیه‌ای هند-آرام اعلام شده است. ایالات متحده و ژاپن در این چارچوب برای رسیدگی به مسائل تجاری و تقویت روابط اقتصادی در سراسر منطقه همکاری می‌کنند. ژاپن حمایت قاطع خود را از این چارچوب ابراز کرده است و آن را وسیله‌ای برای افزایش انعطاف‌پذیری اقتصادی در برابر اقدام‌های اجباری چین می‌داند.

چین به‌شدت به این ابتکار واکنش نشان داده است و آن را «ناتوی اقتصادی» می‌داند که برای ایجاد تفرقه در منطقه طراحی شده است. مقام‌های چینی معتقدند که این ابتکار ابزاری سیاسی و فاقد مزایای اقتصادی قابل توجه برای کشورهای شرکت‌کننده است و با توجه به موقعیت این کشور، به‌عنوان شریک تجاری اصلی بیشتر کشورهای هند و هند-آرام، انزوای اقتصادی از نظر اقتصادی غیرعملی است. وانگ یی<sup>۲</sup>، وزیر امور خارجه چین، تأکید کرد که تلاش‌ها برای حذف چین در نهایت نتیجه معکوس خواهد داشت و کسانی که تلاش می‌کنند این کار را انجام دهند، منزوی می‌شوند (Banerjee, 2022).

علی‌رغم تلاش‌های ایالات متحده برای تشویق «حمایت از دوستان»<sup>۳</sup> و «حمایت از نزدیکان»<sup>۴</sup> در میان کشورهای چارچوب اقتصادی هند و هند-آرام برای شکوفایی، بسیاری از این کشورها از نظر اقتصادی به‌طور عمیقی با چین یکپارچه هستند. داده‌ها نشان می‌دهد که به‌جز ژاپن و ایالات متحده، همه کشورهای این رژیم وابستگی خود را به واردات چین در دهه گذشته افزایش داده‌اند. به‌طور مثال، چین بزرگ‌ترین منبع واردات برای همه کشورهای این ابتکار است و سهم قابل توجهی از صادرات نیز به چین است. این روند چالش‌هایی را برای هدف این ابتکار برای کاهش اتکا به تجارت چین ایجاد می‌کند (Han- & Wolff, 2024). پیامدهای راهبردی این ابتکار تلاشی از سوی ایالات متحده

1. Indo-Pacific Economic Framework for Prosperity
2. Wang Yi
3. friend-shoring
4. near-shoring

برای بازپس‌گیری رهبری اقتصادی خود در اقیانوس هند و هند-آرام پس از خروج از توافق‌های تجاری قبلی، مانند مشارکت حمل‌ونقل آرام<sup>۱</sup>، تلقی می‌شود. با این حال، تحلیلگران ابراز تردید کرده‌اند که به‌طور مؤثر پویایی‌های منطقه‌ای تحت سلطه چین تغییر یابد. فقدان ستون تجاری سنتی در این ابتکار جذابیت آن را در مقایسه با توافقنامه‌های موجود مانند مشارکت جامع اقتصادی منطقه‌ای<sup>۲</sup> و دارای مزایای تجاری جامع‌تر، محدود می‌کند (Quimba & Barral, 2023).

#### ۲.۵.۴. کمیته مشورتی عالی درباره همکاری اقتصادی

«کمیته مشورتی سیاست اقتصادی ژاپن و ایالات متحده» که معمولاً از آن با عنوان «اقتصادی ۲+۲»<sup>۳</sup> یاد می‌شود، در تنظیم سیاست‌های اقتصادی و همکاری بین ژاپن و ایالات متحده، به‌ویژه در پاسخ به چالش‌های ایجادشده چین، نقش مهمی ایفا می‌کند. جلسات اخیر این کمیته بر تقویت نظم اقتصادی مبتنی بر قوانین در منطقه هند و هند-آرام، و افزایش انعطاف‌پذیری اقتصادی متمرکز بوده است. در نوامبر ۲۰۲۳م، در دومین نشست وزیران، بر تقویت نظم اقتصادی مبتنی بر قوانین در هند و هند-آرام و افزایش انعطاف‌پذیری زنجیره تأمین، به‌ویژه در فناوری‌های حیاتی مانند نیمه‌رساناها و انرژی پاک، تأکید شد (The White House, 2022b).

#### ۳.۵.۴. مجمع منطقه‌ای آسه‌آن

ژاپن و ایالات متحده به‌طور فعال در مجمع منطقه‌ای آسه‌آن<sup>۴</sup> به‌منظور رسیدگی به چالش‌های ناشی از نفوذ فزاینده چین در منطقه همکاری می‌کنند. هدف این همکاری تقویت امنیت منطقه‌ای و ترویج نظم مبتنی بر قوانین در هند و هند-آرام است. زمینه راهبردی این مجمع زیرساختی حیاتی برای ژاپن و ایالات متحده برای تعامل با کشورهای آسه‌آن عمل می‌کند و به آن‌ها اجازه می‌دهد درباره مسائل امنیتی و در ارتباط مستقیم با قاطعیت چین، به ویژه در دریای چین جنوبی و دریای چین شرقی، بحث کنند. هر دو کشور آسه‌آن را فرصتی برای تقویت حضور سیاسی و راهبردی خود در جنوب شرقی آسیا و درعین حال حمایت از مرکزیت آسه‌آن در امور منطقه‌ای می‌دانند. ژاپن و ایالات متحده از آسه‌آن برای مشارکت چین در بحث امنیت منطقه‌ای با هدف کاهش تنش و ارتقای شفافیت درباره

1. Trans-Pacific Partnership
2. Regional Comprehensive Economic Partnership
3. Japan-U.S. Economic Policy Consultative Committee (Economic "2+2")
4. ASEAN Regional Forum

فعالیت‌های نظامی استفاده می‌کنند که جنبه‌ای از دفاع فعال در حوزه سیاسی و اقتصادی است. این مجمع امکان گفتگو درباره موضوع‌های حیاتی مانند خلع سلاح هسته‌ای، امنیت دریایی و پاسخ به تلاش‌های یک‌جانبه برای تغییر وضعیت موجود با زور را فراهم می‌کند. هر دو کشور بر همکاری اقتصادی به‌مثابه ابزاری برای مقابله با نفوذ اقتصادی چین تأکید دارند که بحث درباره انعطاف‌پذیری زنجیره تأمین و فناوری‌های حیاتی را نیز شامل می‌شود که برای حفظ ثبات منطقه‌ای حیاتی هستند (Lim, 2024). شراکت رقابت‌پذیری و انعطاف‌پذیری ایالات متحده و ژاپن چارچوبی است که از طریق آن هر دو کشور به دنبال رهبری تلاش‌های بین‌المللی در زمینه امنیت اقتصادی و همکاری با کشورهای هم‌فکر هستند. ژاپن خود را نیرویی تثبیت‌کننده در جنوب شرقی آسیا قرار داده است و کمک‌های توسعه‌ای می‌کند که در تضاد با راهبردهای اقتصادی سرسختانه چین، مانند ابتکار کمربند و راه، است. هدف ژاپن در همکاری با ایالات متحده با ترویج پروژه‌های توسعه پایدار، افزایش انعطاف‌پذیری کشورهای منطقه در برابر اتکای بیش‌ازحد به سرمایه‌گذاری‌های چینی است و از این طریق استقلال راهبردی را در میان کشورهای آسیه‌آن تقویت می‌کند. این مجمع به هر دو کشور اجازه می‌دهد تا با کشورهای جنوب شرقی آسیا در موضوع‌هایی مانند اقدام‌های اعتمادسازی و دیپلماسی پیشگیرانه تعامل داشته باشند.

#### ۴.۵.۴. گفتگوی چهارجانبه امنیتی

کواد برای نخستین بار در سال ۲۰۰۷م، طی نشست‌های بین‌رهبان چهار کشور راه‌اندازی شد. اما، به دلیل نگرانی‌های فزاینده درباره برخورد چین، تا زمان احیای آن در سال ۲۰۱۷م فعالیت محدودی داشت. کواد برای ترویج منطقه آزاد، باز و فراگیر هند و اقیانوسیه تأسیس شد و در چارچوب امنیتی همکاری در پاسخ به چالش‌های منطقه‌ای، به‌ویژه ظهور چین، اهمیت پیدا کرده است. کواد مشارکت مانورهای نظامی مشترک، گفتگوهای راهبردی و تلاش‌های مشترک برای مقابله با تهدیدهای امنیتی منطقه‌ای را تسهیل می‌کند (Smith, 2021). ژاپن و ایالات متحده همکاری خود را در چارچوب گفتگوی چهارجانبه امنیتی تعمیق کرده‌اند که هند و استرالیا را نیز شامل می‌شود. این همکاری در درجه نخست، با هدف مقابله با نفوذ فزاینده چین در منطقه هند و هند-آرام و ترویج نظم بین‌المللی آزاد و باز است.

کشورهای کواد مانورهای نظامی مشترکی، مانند رزمایش دریایی، انجام



می‌دهند که قابلیت همکاری میان نیروهای مسلح آن‌ها را افزایش می‌دهد. این تمرین‌ها بر امنیت دریایی و تلاش‌های ضدتروریسم، تقویت قابلیت‌های دفاع جمعی در برابر تهدیدهای احتمالی چین تمرکز دارد. در بحث‌های اخیر بر اهمیت حفظ آزادی دریانوردی در آب‌های مورد مناقشه، به‌ویژه در دریای چین جنوبی، تأکید شده است. در این مناطق چین ادعاهای ارضی گسترده‌ای داشته است (Carney, 2024).

همچنین، ژاپن و ایالات‌متحده برای تقویت زنجیره تأمین و کاهش وابستگی به تولید چین با یکدیگر همکاری می‌کنند که ابتکارهایی برای ایمن‌سازی فناوری‌های حیاتی و ارتقای همکاری اقتصادی میان اعضای چهارگانه را شامل می‌شود. در این رژیم همچنین، به مسائل مربوط به انتقال فناوری، امنیت سایبری و توسعه زیرساخت‌ها پرداخته شده است. هدف از آن، طرح جایگزین‌هایی برای سرمایه‌گذاری‌های چینی در منطقه است (Buchan & Rimland, 2020). همچنین، گفته می‌شود که کشورهای عضو مدافع نظم بین‌المللی مبتنی بر قوانین هستند و بر حکومت دموکراتیک و حقوق بشر تأکید دارند. این همسویی ایدئولوژیکی ضدروایتی در برابر مدل اقتدارگرایانه چین عمل می‌کند.

#### ۴.۵.۵. روابط امنیتی سه‌جانبه

پیمان امنیتی سه‌جانبه بین ایالات‌متحده، ژاپن و کره جنوبی نشان‌دهنده همسویی راهبردی با هدف رسیدگی به چالش‌های امنیتی منطقه‌ای ناشی از کره شمالی و چین است. با تمرکز بر همکاری نظامی و تقویت روابط دفاعی، این سه کشور به دنبال تقویت موقعیت امنیتی جمعی خود هستند، در عین حال که در پویایی‌های پیچیده جغرافیای سیاسی حرکت می‌کنند. با این حال، مدیریت برداشت‌های مختلف تهدید و حساسیت‌های تاریخی، کلیدی برای تضمین اثربخشی این مشارکت سه‌جانبه در حرکت به جلو خواهد بود (Ipdefenseforum, 2024). ایالات‌متحده، ژاپن و کره جنوبی همکاری‌های سه‌جانبه خود را از طریق نشست‌های عالی و مانورهای نظامی مشترک تقویت کرده‌اند. هدف این همکاری تقویت بازدارندگی در برابر تهدیدهای کره شمالی و رفع نگرانی‌های مشترک درباره رویکرد سرسختانه چین در منطقه است.

روابط امنیتی سه‌جانبه بین ایالات‌متحده، ژاپن و کره جنوبی در واکنش به تهدیدهای فزاینده چین و کره شمالی شتاب بیشتری گرفته است. این همکاری از طریق چارچوب همکاری امنیتی سه‌جانبه رسمیت یافته است که هدف آن تقویت

روابط دفاعی و رسیدگی به چالش‌های امنیتی منطقه‌ای است. نگرانی اصلی و امنیتی کره جنوبی، کره شمالی است. هدف این ابتکار تقویت دفاع در برابر قابلیت‌های موشکی و هسته‌ای کره شمالی، درعین‌حال تسهیل همکاری نظامی نزدیک‌تر بین سه کشور است. درحالی‌که کره جنوبی کره شمالی را تهدیدی در اولویت قرار می‌دهد، ایالات متحده و ژاپن بیشتر بر اقدام‌های قاطعانه چین در منطقه هند و هند-آرام تمرکز دارند. این واگرایی درک تهدید همکاری سه‌جانبه را پیچیده می‌کند؛ ایالات متحده چین را رقیب نزدیک می‌بیند و هدف آن حفظ توازن قدرت در شرق آسیاست.

در اوت ۲۰۲۳م، رهبران سه کشور در کمپ دیوید گرد هم آمدند و متعهد شدند رایزنی‌ها و تمرین‌های نظامی مشترک را به‌جد افزایش دهند. همچنین، توافق کردند که داده‌های هشدار موشکی حساس را در زمان واقعی به‌اشتراک بگذارند تا امنیت جمعی را در برابر تهدیدهای کره شمالی افزایش دهند. همچنین، در ۲۸ ژوئیه ۲۰۲۴م، رؤسای دفاع ژاپن، ایالات متحده و کره جنوبی یادداشت مهمی را برای نهادینه‌کردن روابط دفاعی سه‌جانبه در توکیو امضا کردند. این موافقتنامه بر مشاوره‌های سیاسی در سطح ارشد، به‌اشتراک‌گذاری اطلاعات و تمرینات نظامی مشترک متمرکز است (Lee, 2024).

## ۵. نتیجه‌گیری

ظهور قدرت‌های بزرگ و برخی دیگر قدرت‌های میانه در نظام بین‌الملل موجب شده است تا ساختار از حالت سلسله‌مراتبی و سلطه‌گرایانه، به‌سمت نظام چندقطبی نامتعادل دربیاید. چین یکی از قدرت‌های بزرگ و تهدید نخست در اسناد امنیت ملی آمریکا معرفی شده است. این بدان معناست که ایالات متحده چین را رقیب اصلی خود دانسته است. این مهم به‌وضوح در اسناد بالادستی کاخ سفید مشهود است، تاجایی‌که چین در تصویرسازی‌های کلان و چندبعدی تصمیم‌سازان و تصمیم‌گیران دولت بایدن، مهم‌ترین تهدید راهبردی این کشور تلقی شده است. تلقی‌کردن چین به‌مثابه مهم‌ترین تهدید، به‌موازات ضرورت کاهش و تقسیم هزینه‌ها، موجب شده است راهبرد چندجانبه‌گرایی امنیتی و تقویت شبکه متحدان منطقه‌ای (مشمول بر گفتگوی امنیتی، انعقاد تفاهمنامه همکاری دو و چندجانبه، رزمایش مشترک، احیای ائتلاف‌های چندجانبه و نظایر آن) در منطقه شرق آسیا در مدار دولتمردان آمریکایی قرار گیرد تا ضمن ممانعت

از برهم خوردن توازن کنونی و شکل‌گیری سلطه جدید، هزینه‌های مادی و غیرمادی کاهش یابد و مدیریت شود. به عبارتی، ایالات متحده، به منظور حفظ جایگاه برتر در نظام بین‌الملل، در مناطق حساس راهبردهایی را اتخاذ کرده است. موازنه جمعی، ائتلاف‌سازی و احاله مسئولیت راهبردهایی برای مهار قدرت‌های چالشگر مطرح می‌شود. همان‌گونه که تبیین کردیم، ایالات متحده، به منظور تعدیل هزینه‌های ناشی از راهبرد سلطه لیبرال که بر مداخله‌گرایی حداکثری تأکید می‌شود، از زمان اوباما به سمت راهبرد توازن فراساحلی حرکت کرده است و از متحدان و شرکا، به منظور احاله مسئولیت برای فرسایش قدرت رقبا بهره می‌گیرد؛ به این معنا که ایالات متحده با تسهیم هزینه‌های ناشی از مقابله با قدرت چالشگر، با تمرکز بر حضور به‌صرفه و مدیریت‌شده در مناطق حساس، خود از بیشتر چالش‌ها به‌دور می‌ماند.

یکی از مناطق اصلی، منطقه هند-آرام است. ایالات متحده، به منظور مهار چین در این منطقه، راهبردهای سه‌گانه موازنه جمعی، ائتلاف‌سازی و احاله مسئولیت را به‌طور چندجانبه پیگیری می‌کند. این راهبردهای سه‌گانه مکمل یکدیگر هستند. نقل‌وانتقال اساسی در ماهیت و سلسله‌مراتب قدرت جهانی با محوریت پکن در حال پدیدارشدن است و طبیعی است که تکامل و بلوغ این فرایند نه تنها باعث کنش ساختاری در دولت سلطه‌گر، بلکه سبب افزایش روزافزون نگرانی‌های متحدان و اشنگتن در شرق آسیا و تزلزل در نظم آمریکایی هند-آرام می‌شود.

یکی از مهم‌ترین متحدان ایالات متحده در این منطقه ژاپن است که در چارچوب احاله مسئولیت آمریکا در شرق آسیا، در مهار چین نقش فعالی ایفا می‌کند. ایالات متحده با افزایش تبادلات تجاری و حرکت به سمت اجرای سیاست حمایت از دوستان، موافقتنامه‌های امنیتی-نظامی و ائتلاف‌سازی‌های چندجانبه با مشارکت ژاپن سعی کرده است با اجرای سیاست احاله مسئولیت از ظرفیت کشورهای منطقه، از جمله ژاپن، در راستای مهار چین استفاده کند.

در این مقاله، به‌روش توصیفی-تحلیلی و بر مبنای منابع کتابخانه‌ای جایگاه ژاپن در راهبرد توازن فراساحلی ایالات متحده آمریکا برای مهار چین تبیین شده است. یافته‌های پژوهش نشان داد، به دلیل افزایش هزینه‌های یک‌جانبه در خنثی‌سازی چین، آمریکا با تکیه بر راهبرد احاله مسئولیت در ابعاد اقتصادی و نظامی از طریق موافقتنامه‌های دوجانبه، ائتلاف‌های اقتصادی و نظامی-

امنیتی با ژاپن درصدد موازنه‌سازی جمعی قدم برداشته و به مهار چین پرداخته است. ذکر این نکته لازم است که سیاست فرسایش قدرت، در صورت وقوع بحران، یکی از اهداف اصلی ایالات متحده است. به دلیل قدرت محدود و یگانه کشورها، تشکیل چندگانگی محور قدرت با بازیگری چندجانبه کشورهای منطقه هند-آرام، راهبرد فرسایش قدرت به شکلی مطلوب‌تر اجرا خواهد شد. انتقال تجهیزات و تلاش برای پشتیبانی از متحدان، ضمن تأمین منافع مادی این کشور در شرایط رقابت قدرت درون نظام چندقطبی نامتعادل، با فرسایش قدرت رقبا از طریق راهبردهای توازن دسته‌جمعی در برابر رقبا به تثبیت جایگاه سلطه آن بیش از پیش کمک خواهد کرد.

### تعارض منافع

این مقاله مشمول هیچ گونه تعارض منافع نیست.

### مشارکت نویسندگان

نویسندگان در تألیف این مقاله مشارکت یکسان داشته‌اند.

### اصول اخلاقی

نویسندگان در انتشار این مقاله، به‌طور کامل از اخلاق نشر، از جمله سرقت ادبی، سوءرفتار، جعل داده‌ها یا ارسال و انتشار دوگانه پرهیز داشته است؛ منفعت تجاری در این راستا وجود ندارد. این مقاله حاصل تحقیقات خود نویسندگان است و اصالت محتوای آن را اعلام داشته‌اند. تألیف این مقاله به هوش مصنوعی داده نشده است.

### دسترسی به داده‌ها

در صورت نیاز به اطلاعات بیشتر در خصوص نحوه تجزیه و تحلیل داده‌ها در این مقاله، با نویسنده مسئول مکاتبه فرمایید.

### منابع

- آدمی ع، دشتگرد م. (۱۳۹۱). «ایالات متحده و مهار متخاصمان در چارچوب احاله مسئولیت». پژوهش‌های راهبردی سیاست. ۱(۳). ۱-۲۸.
- دوشی ر. (۱۴۰۲). بازی طولانی: استراتژی کلان چین برای جانشینی نظم آمریکایی. ترجمه انصاری م. تهران: مؤسسه مطالعات و تحقیقات بین‌المللی تهران.

کریمی غر، حدادزند ش، احمدپور م. (۱۴۰۱). «نقش هند در استراتژی احاله مسئولیت آمریکا برای مهار چین». سیاست جهانی. ۱۱(۴): ۱۳۹-۱۶۹.

- Abe Sh. (2007). "MOFA: Speech by H.E. Mr. Shinzo Abe, Prime Minister of Japan". *The Parliament of the Republic of India Confluence of the Two Seas*. [www.mofa.go.jp/region/asia-paci/pmv0708/speech-2.html](http://www.mofa.go.jp/region/asia-paci/pmv0708/speech-2.html). (Assessed on 13/10/2024)
- Admi A, Dashtgerd M. (2011). "The United States and the containment of belligerents in the context of devolution". *Political Strategic Studies*. 1(3): 1-28. [in Persian]
- Banerjee M. (2022). "China's response to Indo-Pacific Economic Framewor". *Manohar Parrikar Institute for Defence Studies and Analyses*.
- Buchan PG, Rimland B. (2020). "Defining the diamond: the past, present, and future of the quadrilateral security dialogue". *CSIS Institute*. <https://www.csis.org/analysis/defining-diamond-past-present-and-future-quadrilateral-security-dialogue>. (Assessed on 13/10/2024)
- Carney S. (2024). "The Quad eyeing Indo-Pacific security- GIS Reports". *GIS Reports*. <https://www.gisreportsonline.com/r/quad-indo-pacific-security/>. (Assessed on 20/10/2024)
- Canada GA. (2024). *Canada's Indo-Pacific strategy*. GAC. <https://www.international.gc.ca/transparency-transparence/indo-pacific-indo-pacifique/index.aspx?lang=eng>.
- Centre for Geopolitics. (2024). *Indo-Pacific Strand*. <https://www.cfg.polis.cam.ac.uk/research/indo-pacific/>. (Assessed on 02/09/2024)
- Christensen ThJ, Snyder J. (2009), "Chain gangs and passed bucks: predicting alliance patterns in multipolarity", *International Organization*. 44(2): 137-168.
- Congressional Research Service. (2021). "The U.S.-China trade relationship: An overview". <https://crsreports.congress.gov/product/pdf/IF/IF10199>. (Assessed on 10/10/2024)
- Doshi R. (2023). *The Long Game: China's Grand Strategy to Displace American Order*. Translated by Ansari M. Tehran: Tehran Internatinal Studies and Research Institute. [in Persian]
- Envall H. (2023). "15 Japan's American Alliance: Forgoing Autonomy for Deterrence". In *Amsterdam University Press eBooks*: 261-275. doi: <https://doi.org/10.1515/9789048559381-019>. (Assessed on 15/09/2024)
- (2017). "Japan: From passive partner to active ally". in Wesley M. (ed.). *Global Allies: Comparing US Alliances in the 21st Century*. Canberra: ANU Press. 15-30.
- Goodman MP. (2024). "Japan braces for Trump 2.0". *Council on Foreign Relations*. <https://www.cfr.org/article/japan-braces-trump-20>. (Assessed on 15/10/2024)
- Han-koo Y, Wolff M. (2024). "Will 2024 deepen Indo-Pacific economic cooperation?". PIIE. <https://www.piie.com/blogs/realtime-economics/2024/will-2024-deepen-indo-pacific-economic-cooperation>. (Assessed on 09/10/2024)
- Hughes CW. (2016). "Japan's 'Resentful realism' and balancing China's rise". *The Chinese Journal of International Politics*. 9(2): 109-150. doi: <https://doi.org/10.1093/cjip/pow004>.
- Ipddefenseforum. (2024). "Japan, South Korea, U.S. move to formalize trilateral partnership". *Indo-Pacific Defense Forum*. <https://ipdefenseforum.com/2024/10/japan-south-korea-u-s-move-to-formalize-trilateral-partnership/>. (Assessed on 17/10/2024)
- Ishimoto R. (2024). "Strengthening Japan-US security relations over extended deterrence". *The Diplomat*. <https://thediplomat.com/2024/08/strengthening-japan-us-security-relations-over-extended-deterrence/>. (Assessed on 04/10/2024)

- Karimi GhR, Haddad Zand Sh, Ahmadpour M. (2022). "India's role in America's strategy of buck passing for China's containment". *World Politics*. 11(4): 139-169. [in Persian]
- Koga K. (2016). "The rise of China and Japan's balancing strategy: critical junctures and policy shifts in the 2010s". *Journal of Contemporary China*. 25(101): 777-791. doi: <https://doi.org/10.1080/10670564.2016.1160520>.
- Koga K, Oba M, Jimbo K, Cooper Z. (2019). "U.S.-Japan cooperation on Indo-Pacific Regional architecture". *Asia Strategy Initiative*. <https://www.spf.org/jpus-insights/spf-asia-initiative-en/spf-asia-initiative003.html>. (Assessed on 12/10/2024)
- Lee RM. (2024). "An insurance plan for peace: trilateral security pact between South Korea, US, and Japan". *Stimson Center*. <https://www.stimson.org/2024/an-insurance-plan-for-peace-trilateral-security-pact-between-south-korea-us-and-japan/>. (Assessed on 07/10/2024)
- Lim Ch. (2024). "Explore Pacific Forum's insightful Indo-Pacific analysis". *Pacific Forum*. <https://pacforum.org/publications/yl-blog-72-as-us-china-tensions-intensify-is-japan-a-third-way-for-southeast-asia/>. (Assessed on 07/10/2024)
- Liu W, Wang B. (2013). "The roles of the United States in the China-US-Japan trilateral relations". *Journal of Global Policy and Governance*. 2(2): 167-180. doi: <https://doi.org/10.1007/s40320-013-0041-4>.
- Mazarr MJ, Ke I. (2024). *Integrated Deterrence as a defense planning concept*. RAND. <https://www.rand.org/pubs/perspectives/PEA2263-1.html>. (Assessed on 14/10/2024)
- Mearsheimer JJ. (2001). *The Tragedy of Great Power Politics*. New York: W.W. Norton & Company.
- Milly M. (2023). "Japan key in handling any Indo-Pacific contingency: top U.S. general". *Nikkei Asia*. <https://asia.nikkei.com/Editor-s-Picks/Interview/Japan-key-in-handling-any-Indo-Pacific-contingency-top-U.S.-general>. (Assessed on 03/10/2024)
- National Defense University Press. (2020). "The Indo-Pacific competitive space: China's vision and the Post-World War II American Order". <https://ndupress.ndu.edu/Media/News/News-Article-View/Article/2404551/9-the-indo-pacific-competitive-space-chinas-vision-and-the-postworld-war-ii-ame/>. (Assessed on 13/10/2024)
- Quimba FMA, Barral MAA. (2023). "Exploring regional integration with Indo-Pacific economies: A background analysis for IPEF strategies". *PIDS Discussion Paper Series*, No. 2024-37. Philippine Institute for Development Studies. Quezon City.
- Sahashi R. (2020). "Japan's strategy amid US-China confrontation". *China International Strategy Review*. 2(2): 232-245. doi: <https://doi.org/10.1007/s42533-020-00061-9>.
- Smith SA. (2023). "The quad in the Indo-Pacific: What to know". *Council on Foreign Relations*. <https://www.cfr.org/in-brief/quad-indo-pacific-what-know>. (Assessed on 14/10/2024)
- Statista. (2024a). "U.S. annual FDI to Japan 2000-2023". <https://www.statista.com/statistics/188623/united-states-direct-investments-in-japan-since-2000/>. (Assessed on 09/10/2024)
- =====. (2024b). *U.S. annual FDI receipts from Japan 2000-2023*. <https://www.statista.com/statistics/188907/foreign-direct-investment-from-japan-in-the-united-states-since-1990/>. (Assessed on 10/10/2024)
- StatisticsTimes. (2024). "Comparing United States and China by economy". <https://statisticstimes.com/economy/united-states-vs-china-economy.php>. (Assessed on 15/10/2024)
- Snyder G. (2002). "Mearsheimer's world— offensive realism and the struggle for security". *International Security*. 27(1): 149-173.

- United States Trade Representative. (2024). *Indo-Pacific Economic Framework for Prosperity (IPEF)*. <https://ustr.gov/trade-agreements/agreements-under-negotiation/indo-pacific-economic-framework-prosperity-ipef>. (Assessed on 05/10/2024)
- The White House*. (2022a). "Indo-Pacific strategy of The United States". Washington DC: Executive Office of The President National Security Council: 4-18. <https://www.whitehouse.gov/wp-content/uploads/2022/02/U.S.-Indo-Pacific-Strategy.pdf>. Assessed on. (Assessed on 11/10/2024)
- (2022b). "Japan-U.S. Joint leaders' statement: Strengthening the free and open international Order". <https://www.whitehouse.gov/briefing-room/statements-releases/2022/05/23/japan-u-s-joint-leaders-statement-strengthening-the-free-and-open-international-order/>. (Assessed on ????)
- (2022c). "National security strategy of the United States of America". <https://www.whitehouse.gov/wp-content/uploads/2022/10/Biden-Harris-Administrations-National-Security-Strategy-10.2022.pdf>. (Assessed on 10/10/2024)
- United States Department of State*. (2022). "Treaty of Peace with Japan, done at San Francisco September 8, 1951". <https://www.state.gov/treaty-of-peace-with-japan-san-francisco>. (Assessed on 14/10/2024)
- U.S. Department of Defense. (2024). *Joint Statement of the Security Consultative Committee* (2+2). <https://www.defense.gov/News/Releases/Release/Article/3852169/joint-statement-of-the-security-consultative-committee-22/>. (Assessed on 12/10/2024)
- USDA Foreign Agricultural Service. (2024). *Japan Trade Agreement*. <https://fas.usda.gov/topics/japan-trade-agreement>. (Assessed on 09/10/2024)
- Vidal LLI, Pelegrín A. (2017). "Hedging against China: Japanese strategy towards a rising power". *Asian Security*. 14(2): 193-211. doi: <https://doi.org/10.1080/14799855.2017.1333983>. (Assessed on 08/10/2024)
- Walt SM. (1987). *The origins of Alliances*, Ithaca: Cornell University Press.